

## بسم الله الرحمن الرحيم

این تحقیق یک پرونده علمی نسبتاً خوب مربوط به ترم گذشته رشته تفسیر سطح ۳ مرکز مدیریت خواهران است که توسط سرکار خانم ملک محمدی نوشته شده است. با این حال چهار پیشنهاد برای بهتر شدن این تحقیق در زیر آمده که امید است طلاب محترم موارد مذکور در آنها را رعایت کنند.

- ۱- در ابتدای سوالات اصلی و فرعی عنوانی برای بخش کلیات لحاظ کرده و عنوان موضوع مأخوذ از سامانه و تغییر یافته آن طبق الگوی سه جزئی را ذکر کنند و سپس سوالات اصلی و فرعی را بیاورند.
- ۲- نحوه آدرس دهی خوب نیست. باید انتهای هر فیش در پاورقی یا داخل پرانتز آدرس را بنویسند. ایشان در پاورقی اطلاعات کتابنامه را آورده اند که در اینجا نیازی نیست. آدرس ها را نیز در کنار نام کتب ذکر کرده اند.
- ۳- جمع بندی اقوال باید بعد از هر سوال فرعی بیاید که ایشان همه را در قسمت انتهایی آورده اند.
- ۴- پس از جمع بندی هر بخش قول مختار خود را هم مستقلاً تیتراً زده و ذکر کنند.

## فهرست مطالب:

۴	فیشهای سوال شماره یک:
۴	کتاب اول: کتاب العین ج ۲ ۱۵۲
۴	کتاب دوم: لسان العرب ج ۱۲ ۴۱۶ ،
۴	کتاب سوم: المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی ج ۲ ۴۲۷
۴	کتاب چهارم: مفردات ألفاظ القرآن ۵۸۰
۵	کتاب پنجم: قاموس قرآن ج ۵ ۳۲
۵	کتاب ششم: معجم مقاییس اللغة ج ۴ ، ۱۰۹
۵	فیشهای سوال شماره دو:
۵	کتاب اول: تفسیر القمی ج ۲ ۱۱
۶	کتاب دوم: التبیان فی تفسیر القرآن ج ۸ ۲۱۶
۶	کتاب سوم: روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن ج ۱۵ ۲۲۱
۶	کتاب چهارم: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص: ۴۵۱
۶	فیش اول:
۶	فیش دوم:
۷	کتاب پنجم: تفسیر جوامع الجامع ج ۳ ۲۵۰
۷	کتاب ششم: تفسیر الصافی ج ۴ ۱۲۰
۷	فیشهای سوال شماره سه:
۷	کتاب اول: جامع البیان فی تفسیر القرآن ج ۲۱ ۵
۷	فیش اول:
۸	فیش دوم:
۸	فیش سوم:
۸	فیش چهارم:
۹	کتاب دوم: التفسیر الكبير: تفسیر القرآن العظيم (الطبرانی) ج ۵ ۱۰۶
۹	کتاب سوم: روح المعانی ج ۱۱ ۷
۹	فیش اول:
۹	فیش دوم:
۱۰	جمع بندی فیش های سوال شماره یک:
۱۰	جمع بندی اقوال و ادله فیش های سوال شماره دو:
۱۱	ادله قول اول:
۱۱	ادله قول دوم:
۱۱	جمع بندی اقوال و ادله فیش های سوال شماره سه:
۱۲	بیان ادله:
۱۲	فهرست منابع:

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان درس:

روش تحقیق

عنوان تحقیق :

مفهوم ومصداق اوتوالعلم در آیه ۴۹ عنکبوت در تفاسیر شیعه و اهل سنت

استاد مربوطه:

آقای مهدی عطار کاشانی

نام و نام خانوادگی محقق

زینب ملک محمدی

کد طلبگی محقق:

.....۹۴۱۳۱۱۰۴۱۲

سطح و گرایش تحصیلی:

تفسیر و علوم قرآنی

نام مدرسه تحصیلی: امام هادی شوشتر

نیمسال دوم ۱۳۹۵

سوال اصلی: مفهوم ومصداق اوتوالعلم در آیه ۴۹ عنکبوت در تفاسیر شیعه و اهل سنت چیست؟

سوالات فرعی:

۱. مفهوم لغوی واصطلاحی علم چیست ؟
۲. : مفهوم ومصداق اوتوالعلم در آیه ۴۹ عنکبوت در تفاسیر شیعه چیست؟
۳. : مفهوم ومصداق اوتوالعلم در آیه ۴۹ عنکبوت در تفاسیر اهل سنت چیست؟

فیش‌های سوال شماره یک:

۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی علم چیست ؟

کتاب اول: کتاب العین ج ۲ ۱۵۲

عِلْمٌ يَعْلَمُ عِلْمًا، نقيض جهل.<sup>۱</sup>

علم نقيض جهل است.

کتاب دوم: لسان العرب ج ۱۲ ۴۱۶ ،

علم: من صفات الله عز و جل العليم و العالم و العَلَمُ؛

روی عن ابن مسعود أنه قال: ليس العلم بكثرة الحديث و لكن العِلْمُ بالخَشْيَةِ.

و العِلْمُ: نقيضُ الجهل<sup>۲</sup>

علم: از صفات خداوند است، علم به زیادی سخن نیست بلکه به خشوع است، علم نقيض جهل است.

کتاب سوم: المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي ج ۲ ۴۲۷

العِلْمُ: اليقين، و هُمُ أُولُو الْعِلْمِ أَيْ مُتَّصِفُونَ بِهِ<sup>۳</sup>

علم همان یقین است و ایشان صاحبان علم اند یعنی متصف به یقین اند.

کتاب چهارم: مفردات ألفاظ القرآن ۵۸۰

العلم: إدراك الشيء بحقيقته، و ذلك ضربان:

---

<sup>۱</sup> فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۹ق.  
<sup>۲</sup> ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب - بیروت، چاپ: سوم، ۱۴۱۴ق.  
<sup>۳</sup> فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۴ق.

احدهما: إدراك ذات الشيء.

الثاني: الحكم على الشيء بوجود شيء هو موجود له، أو نفي شيء هو منفي عنه.

من وجه ضربان: نظري و عملي.

النظري: ما إذا علم فقد كمل، نحو: العلم بموجودات العالم.

العملي: ما لا يتم إلا بأن يعمل كالعلم بالعبادات.

من وجه آخر ضربان: عقلي و سمعي،<sup>٤</sup>

علم، ادراك شيء به حقيقت شيء راگویندبر سه وجه میتوان آن را تقسیم کرد: وجه اول، یا ادراك ذات شيء است یا حکم بر شيء است که خود بردو نوع: حکم بر وجود شيء یا بر نفي آن. وجه دوم: علم نظري، مانند علم به موجودات عالم که به محض علم به آنها، تمام و کامل میشود، و اما علم عملي، مانند علم به عبادات است که با عمل کامل میشود. وجه سوم: عقلي و سمعي.

## کتاب پنجم: قاموس قرآن ج ۵ ۳۲

علم: دانستن. دانش

علم گاهی بمعنی اظهار و روشن کردن آید

علم گاهی بمعنی دلیل و حجت آید<sup>۵</sup>

## کتاب ششم: معجم مقاییس اللغة ج ۴ ، ۱۰۹

علم: العين و اللام و الميم أصلٌ صحيح واحد، يدلُّ على أثرٍ بالشيء يتميَّزُ به عن غيره.<sup>۶</sup>

ریشه علم «ع ل م» ودال بر اثری است بر شيء، که آنرا از غیر خودش تمییز میدهد.

## فیش‌های سوال شماره دو:

۲: مفهوم و مصداق اوتوا العلم در آیه ۴۹ عنکبوت در تفاسیر شیعه چیست؟

## کتاب اول: تفسیر القمی ج ۲ ۱۱

«بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» قال هم الأئمة ع و قوله «وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا» یعنی ما یجحد بأمیر المؤمنین و الأئمة ع «إِلَّا الظَّالِمُونَ»<sup>۷</sup>

«منظور از اوتوا العلم همان ائمه علیهم السلام و منظور از بآیاتنا در «وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا» همان حضرت علی و ائمه «ع» میباشد که حجت های الهی اند که مورد انکار و عناد ستمکاران واقع میشوند.»

<sup>۴</sup> راجع اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن - بيروت - دمشق، چاپ: اول، ۱۴۱۲ق.

<sup>۵</sup> قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن - تهران، چاپ: ششم، ۱۴۱۲ق.

<sup>۶</sup> ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ق.

<sup>۷</sup> قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۲جلد، دار الکتاب - ایران - قم، چاپ: ۳، ۱۳۶۳ ه.ش.

## کتاب دوم: التبیان فی تفسیر القرآن ج ۸ ص ۲۱۶

ثم قال «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» و قيل: معناه بل هي آيات واضحة في صدور العلماء، بأنه أُمى لا يقرأ و لا يكتب، على صفته في التوراة و الإنجيل - في قول ابن عباس - و قال الحسن: بل القرآن آيات بينات في صدور العلماء. ثم قال (وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا) أى لا ينكر حججنا و يجردها إلا الذين ظلموا نفوسهم بترك النظر فيها، أو العناد لها بعد طول المدة و حصول العلم بها.<sup>۸</sup>

«ابن عباس با استناد به قرائت «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ» مرجع ضمير را پیامبر «ص» دانسته و اینطور معنا کرده: بلکه پیامبر نشانه های روشنی است در سینه علما، و این نشانه ها همان امی بودن و ناخوانایی و نانویسایی ایشان است که در تورات و انجیل، حضرت با این اوصاف وصف شده اند. اما حسن مرجع ضمیر را به قرآن ارجاع داده و گفته «بَلْ الْقُرْآنُ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ...» و گفته منظور از (وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا) معنی آیات، همان حجت های الهی است که مورد انکار ظالمان قرار میگیرد و إلا الذين ظلموا: کسانی اند که با پشت کردن به حجت های الهی و دشمنی با آنها به خودشان ظلم میکنند.»

## کتاب سوم: روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن ج ۱۵ ص ۲۲۱

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ، آنکه به لفظ اضراب و عدول گفت: بَلْ هُوَ، یعنی قرآن آیاتی است روشن و دلایلی واضح. بعضی دگر گفتند: «هو» ضمیر محمد است - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ - آیاتی است [بل محمد آیاتی است]، یعنی در [او] آیات است، خداوند براهین و معجزات . فی صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ، در دلهای آنان که ایشان را علم دادند. و مَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا، و به آیات ما جحد نکنند الا ظالمان که به آن جحد ظالم نفس خود باشند و با خس حظ از ثواب، و این قول عبد الله بن عباس است و قتاده. و در قراءت عبد الله مسعود هست: «بل هي آيات بيّنات»، آنکه راجع باشد با علامات و نعوت و صفات او که در توریت و انجیل یافتند جهودان و ترسایان.<sup>۹</sup>

## کتاب چهارم: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص: ۴۵۱

### فیش اول:

هم الأئمة (ع) من آل محمد عن أبي جعفر و أبي عبد الله ع

و قيل إن هو كناية عن النبي ص أى أنه في كونه أميا لا يقرأ و لا يكتب آيات بينات في صدور العلماء من أهل الكتاب لأنه منعت في كتبهم بهذه الصفة عن الضحاک.

«روایت داریم از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) که منظور آیه ائمه (ع) هستند. اما ضحاک «هو» را کنایه از پیامبر میداند که کتابی نخوانده و نوشته، و میگوید صدور العلماء همان سینه های علماء اهل کتاب است که پیامبر را با همین اوصاف در کتب آسمانی شان شناخته اند. «

### فیش دوم:

و قال قتادة المراد به القرآن و أعطى هذه الأمانة الحفظ و من كان قبلها لا يقرأون الكتاب إلا نظرا فإذا طبقوه لم يحفظوا ما فيه إلا اليسير «وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ» الذين ظلموا أنفسهم بترك النظر فيها و العناد لها بعد حصول العلم لهم بها و قيل يريد بالظالمين كفار قريش و اليهود.<sup>۱۰</sup>

<sup>۸</sup> طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، دار إحياء التراث العربي - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.

<sup>۹</sup> ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی - ایران - مشهد مقدس، چاپ: ۱، ۱۴۰۸ ه. ق.

<sup>۱۰</sup> طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، ناصر خسرو - ایران - تهران، چاپ: ۳، ۱۳۷۲ ه. ش.

«قتاده برخلاف ضحاک مرجع ضمیر هو را قرآن میدانده که امت آنرا حفظ میکردند برخلاف سایر کتب آسمانیکه فقط با نگاه کردن خوانده شده و جز اندکی از آنرا حفظ نمیکردند ومنظور از «وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ» کسانی میدانند که باوجود علم به قرآن به آیاتش نمی نگردند و بآن دشمنی کرده باین کار درواقع به خودشان ظلم میکنند. و گروهی هم ظالمین را کفار قریش و یهود میدانند.»

### کتاب پنجم: تفسیر جوامع الجامع ج ۳ ۲۵۰

«بَلْ الْقُرْآنُ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ»، و هم النَّبِيُّ و الْأَئِمَّةُ و العلماء الَّذِينَ حَفَظُوهُ و وَعَوْهُ و رَسَخَ مَعْنَاهُ فِي قُلُوبِهِمْ. و هَذَا مِنْ خِصَائِصِ الْقُرْآنِ: كَوْنُ آيَاتِهِ بَيِّنَاتٍ الْإِعْجَازِ وَ كَوْنُهُ مُحْفُوظًا فِي الصُّدُورِ يَتْلُوهُ حَمَلَتُهُ ظَاهِرًا، بِخِلَافِ سَائِرِ الْكُتُبِ الْإِلَهِيَّةِ فَإِنَّهَا لَمْ تَكُنْ مَعْجَزَاتٍ وَ مَا كَانَتْ تَقْرَأُ إِلَّا مِنَ الْمَصَاحِفِ.

«وَمَا يَجْحَدُ» بِالْآيَاتِ الْوَاضِحَاتِ «إِلَّا» الْمَكَابِرُونَ الْمُتَوَعَّلُونَ فِي الظُّلْمِ.<sup>۱۱</sup>

«مرحوم طبرسی مرجع ضمیر را در آیه به قرآن برمیگرداند و میگوید این از ویژگی های قرآن است که آیات روشنش علاوه بر معجزه بودن، محفوظ در سینه هاست بر خلاف سایر کتب آسمانی که حفظ نمی شدند و فقط از روی کتاب قرائت می شدند بعلاوه معجزه هم نبودند. و منظور از آیاتنا، آیات واضح و روشن قرآن است که کسانی که غوطه ور در ظلم اند آنها را انکار میکنند.»

### کتاب ششم: تفسیر الصافی ج ۴ ۱۲۰

بَلْ هُوَ الْقُرْآنُ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ.

فِي الْكَافِي عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ فَأَوْمَى بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ

و عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ تَلَاهَا فَقَالَ مَا بَيْنَ دَفْتِي الْمَصْحَفِ قِيلَ مِنْ هِمَّ قَالَ مِنْ عَسَى أَنْ يَكُونُوا غَيْرِنَا.

و عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُمُ الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و قَالَ: نَحْنُ وَ إِيَّانَا عَنِ

فِي أَخْبَارِ كَثِيرَةٍ وَ مَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ.<sup>۱۲</sup>

«مرحوم فیض با ذکر دو روایت از امام باقر «ع» و امام صادق «ع» از کتاب شریف کافی مصداق اوتو العلم را منحصر در ائمه «ع» میدانند.»

## فیشهای سوال شماره سه:

۳. : مفهوم و مصداق اوتو العلم در آیه ۴۹ عنکبوت در تفاسیر اهل سنت چیست؟

### کتاب اول: جامع البیان فی تفسیر القرآن ج ۲۱ ۵

فیش اول:

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ اختلف أهل التأويل في المعنى بقوله: بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ فقال بعضهم: عني به نبي الله صلى الله عليه وسلم، و قالوا: معنى الكلام: بل وجود أهل الكتاب في كتبهم أن محمدا صلى الله عليه وسلم

<sup>۱۱</sup> طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، ۴ جلد، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۴۱۲ ه.ق.

<sup>۱۲</sup> فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، ۵ جلد، مکتبه الصدر - ایران - تهران، چاپ: ۲، ۱۴۱۵ ه.ق.

لا يكتب ولا يقرأ، وأنه أمي، آيات بينات في صدورهم. ذكر من قال ذلك: حدثني محمد بن سعد، قال: ثني أبي، قال: ثني عمي، قال: ثني أبي، عن أبيه أب جد سعد، عن ابن عباس، قوله بَلْ هُوَ آيَاتُ بَيِّنَاتٍ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ قال: كان الله تعالى أنزل شأن محمد صلى الله عليه وسلم في التوراة والإنجيل لأهل العلم و علمه لهم، و جعله لهم آية، فقال لهم: إن آية نبوته أن يخرج حين يخرج لا يعلم كتابا، و لا يخطه بيمينه، و هي الآيات البينات.

«بين مفسرين در مرجع ضمير هو اختلاف است برخی چون ابن عباس، آن را به پیامبر «ص» برگردانده و میگویند ایشان آيات بينات در درسيه اهل كتاب است ايات روشني از قبيل امي و درس نخوانده بودن كه همان اوصافيست كه در كتب آسمانيشان، پيامبر به ان وصف شده است».

### فیش دوم:

حدثني عن الحسين، قال: سمعت أبا معاذ يقول: أخبرنا عبيد، قال: سمعت الضحاک يقول في قوله وَ مَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ قال: كان نبي الله لا يكتب ولا يقرأ، و كذلك جعل الله نعته في التوراة والإنجيل، أنه نبي أمي لا يقرأ و لا يكتب، و هي الآية البينة في صدور الذين أوتوا العلم. حدثنا بشر، قال: ثنا يزيد، قال: ثنا سعيد، عن قتادة بَلْ هُوَ آيَاتُ بَيِّنَاتٍ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ من أهل الكتاب صدقوا بمحمد و نعته و نبوته. حدثنا القاسم، قال:

ثنا الحسين، قال: ثني حجاج، عن ابن جريج، بَلْ هُوَ آيَاتُ بَيِّنَاتٍ قال: أنزل الله شأن محمد في التوراة والإنجيل لأهل العلم، بل هو آية بينة في صدور الذين أوتوا العلم، يقول: النبي صلى الله عليه وسلم.

«ضحاک هم مرجع ضمير را به پیامبر «ص» معنا نموده با همان اوصافی كه در تورات و انجيل از ایشان یاد شده و قتاده مصداق اوتوا العلم را اهل كتاب میدانند. و اینطور معنا میکند: بلکه پیامبر آيات روشني در سینه اهل كتاب است. ابن جريج هم آیه را در شأن پیامبر «ص» میدانند به همان دلیلی كه بیان شد و قرائت آنرا به صورت مفرد «بل هو آية بينة» دلیلی بر ادعای خود میدانند».

### فیش سوم:

و قال آخرون: عنی بذلك القرآن، و قالوا: معنى الكلام: بل هذا القرآن آيات بينات في صدور الذين أوتوا العلم من المؤمنين بمحمد صلى الله عليه وسلم. ذكر من قال ذلك: حدثنا القاسم، قال:

ثنا الحسين، قال: ثنا أبو سفيان، عن معمر، قال: قال الحسن، في قوله: بَلْ هُوَ آيَاتُ بَيِّنَاتٍ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ القرآن آيات بينات في صدور الذين أوتوا العلم، يعنى المؤمنين.

«برخی همچون حسن، ضمير هو را قرآن معنا نموده و مصداق اوتوا العلم را مومنان به محمد «ص» میدانند».

### فیش چهارم:

و أولى القولين في ذلك بالصواب قول من قال: عنی بذلك: بل العلم بأنك ما كنت تتلو من قبل هذا الكتاب كتابا، و لا تخطه بيمينك، آيات بينات في صدور الذين أوتوا العلم من أهل الكتاب. و إنما قلت ذلك أولى التأويلين بالآية، لأن قوله: بَلْ هُوَ آيَاتُ بَيِّنَاتٍ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ بين خبرين من أخبار الله عن رسوله محمد صلى الله عليه وسلم، فهو بأن يكون خبرا عنه أولى من أن يكون خبرا عن الكتاب الذى قد انقضى الخبر عنه قبل. و قوله: وَ مَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ يقول تعالى ذكره: ما يجحد نبوة محمد صلى الله عليه وسلم و سلم و أدلته، و ينكر العلم الذى يعلم من كتب الله التى أنزلها على أنبيائه، بعث محمد صلى الله عليه وسلم و نبوته و مبعثه إلا الظالمون، يعنى الذين ظلموا أنفسهم بكفرهم بالله عز وجل.<sup>١٣</sup>

<sup>١٣</sup> طبرى، محمد بن جرير، جامع البيان في تفسير القرآن (تفسير الطبرى)، ٣٠ جلد، دار المعرفة - لبنان - بيروت، چاپ: ١، ١٤١٢ هـ. ق.



«طبری از بین دو قول، قول اول را اولی و درست میدانید یعنی هو را همان پیامبر «ص» و اوتوا العلم را اهل الكتاب میدانند و در مورد علت بازگشت ضمیر به پیامبر «ص» و انطباق اوتوا العلم به اهل الكتاب میگوید: چون آیه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» بین دو خبر از اخبار خداوند از پیامبرش قرار گرفته از این رو اگر آیه مذکور خبر از پیامبر باشد اولویت دارد تا اینکه خبری از قرآن باشد که پیش از آن اخبار از آن گذشته است. و منظور از «وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ»، و تنها کافران انکار کننده نبوت و بعثت پیامبراند در حالیکه علم به نبوت ایشان دارند.»

## کتاب دوم: التفسير الكبير: تفسير القرآن العظيم (الطبرانی) ج ۵ ۱۰۶

قوله تعالى: بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ؛ قال الحسن: (يعنى القرآن آيات بيّنات فى صدور الذين أوتوا العلم يعنى المؤمنين الذين حملوا القرآن على عهد النبى صلى الله عليه و سلم و حملوه بعد).

و قال مقاتل: (بَلْ هُوَ) يعنى محمداً صلى الله عليه و سلم (آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ) أى دو آيات بيّنات فى صدور اهل العلم من اهل الكتاب؛ لأنّهم يحدونه بنعته و صفته). و مَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ (۴۹)، يعنى كفار اليهود.<sup>۱۴</sup>

«حسن بازگشت ضمیر هو را به قرآن و مصداق اوتوا العلم را مومنان حامل و حافظ قرآن در عهد پیامبر «ص» و بعد از ان میدانند. اما مقاتل «هو» را به پیامبر «ص» و «آيات بيّنات» را همان امی و ناخوانده و نانویس بودن حضرت رسول در سینه علمای اهل کتاب میدانند و از ظالمون به کفار یهود تعبیر میکند.»

## کتاب سوم: روح المعانی ج ۱۱ ۷

### فیش اول:

و أنت تعلم أن مثل هذا لا يقبل بدون خبر صحيح و لم أظفر به بل هو أى القرآن، و هذا إضراب عن ترتيبهم، أى ليس القرآن مما يرتاب فيه لوضوح أمره بل هو آيات بيّنات واضحة ثابتة راسخة فى صدور الذين أوتوا العلم من غير أن يلتقط من كتاب يحفظونه بحيث لا يقدر على تحريفه بخلاف غيره من الكتب، و جاء فى وصف هذه الأمة صدورهم أناجيلهم، و كون ضمير هو للقرآن هو الظاهر، و يؤيده قراءة عبد الله «بل هى آيات بيّنات».

«صاحب روح المعانی بعد نفی نوشتن و خواندن از پیامبر «ص» در آیه قبل بل را بل اضرابی، وهو را همان قرآن میدانده این معنا که قرآن آنچه شما میپندارید «ساخت دست بشر» نیست بلکه آیات واضح و راسخ در سینه حافظان قرآن است که در وصف آنان گفته شده «سینه هایشان اناجیل اینان است»، و ایشان مصداق اوتوا العلم را حافظان قرآن میدانده و او را به خود قرآن معنا نموده چراکه از میان کتب آسمانی تنها قرآن به حافظه ها سپرده شده و از تحریف مصون مانده، و موبد این مطلب را قرائت عبدالله ابن مسعود «بل هى آيات بيّنات» میدانند. و الظالمون را-همانطور که در بخش پایانی تفسیر آیه آورده- به آنانی که در فساد و شر از حد تجاوز نموده اند معنا نموده است.»

### فیش دوم:

و قال قتادة: الضمير للنبي صلى الله تعالى عليه و سلم و قرأ «بل هو آية بيّنة» على التوحيد، و جعله بعضهم له عليه الصلاة و السلام على قراءة الجمع على معنى بل النبي و أموره آيات، و قيل: الضمير لما يفهم من النفي السابق أى كونه لا يقرأ لا يخط آيات بيّنات فى صدور العلماء من اهل الكتاب لأن ذلك نعت النبي عليه الصلاة و السلام فى كتبهم، و الكل كما ترى، و فى الأخير حمل الذين أوتوا العلم على علماء اهل الكتاب و هو مروي عن الضحاک و الأكثرون على أنهم علماء الصحابة أو النبي صلى الله تعالى عليه و سلم و علماء أصحابه، و روى هذا عن الحسن و

<sup>۱۴</sup> أخرجه ابن أبي حاتم في التفسير الكبير: الأثر (۱۷۳۷۵). و الطبري في جامع البيان: الأثر (۲۱۱۹۹).

روی بعض الإمامیه عن أبی جعفر و أبی عبد الله رضی الله تعالی عنهما أنهم الأئمة من آل محمد صلی الله علیه و سلم

وَمَا يَجْزِدُ بَيِّنَاتِنَا مَعَ كَوْنِهَا كَمَا ذَكَرَ إِلَّا الظَّالِمُونَ الْمُتَجَاوِزُونَ لِلْحَدِّ فِي الشَّرِّ وَالْمُكَابِرَةُ وَالْفَسَادُ<sup>۱۵</sup>

«قتاده آیه را به صورت مفرد «بل هو آیه بینة» قرائت کرد مرجع ضمیر هو را پیامبر «ص» میدانداگرچه برخی قائل به قرائت جمع میباشند و بنا بر روایت ضحاک، به خاطر نفی خواندن و نوشتن از پیامبر در آیه قبل - همانگونه که در کتب آسمانی دیگر از حضرت با آن وصف شده - مرجع ضمیر هو را پیامبر «ص» و الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ را بر علماء اهل کتاب حمل نموده است. ولی اکثر آنرا بر علماء صحابه یا پیامبر «ص» و علماء صحابه حمل نموده اند که حسن نیز قائل به این روایت است و بعضی از امامیه به نقل از امام باقر «ع» و امام صادق «ع» مصداق بارز أُوتُوا الْعِلْمَ را ائمه «ع» روایت نموده اند.»

### جمع بندی فیش های سوال شماره یک:

با بررسی شش کتاب لغت معتبر به طور کلی میتوان گفت اهل لغت واژه علم را از نظر لغوی اینطور معنا کرده اند: علم: اصل آن «ع ل م»، نقیض جهل، یقین، دانستن و دانش، دلیل و حجت، اظهار کردن و اولو العلم را کسانی که متصف به علم «یقین» معنا نموده اند. و از نظر اصطلاحی علم از صفات و ویژگی های خداوند است و مرتبه ضعیف تر آن به بشر داده شده، و زیادی علم به زیادی سخن نیست بلکه به خشوع است، و از نظر برخی علم همان ادراک حقیقت شیء است که یا ادراک ذات شیء است یا حکم برشیء به نحو وجود یا نفی آن علاوه بر این، دو تقسیم بندی دیگر هم برای علم بیان شده از قبیل: علم نظری و عملی، و علم عقلی و سمعی.

نتیجه: با توجه به معانی که برای علم بیان شد میتوان گفت اوتوا العلم همان صاحبان دانش و معرفت و یقین اند «به نظر حقیر و با توجه به مطالعاتی که پیرامون این موضوع انجام دادم، بررسی اوتوا العلم در بافت و سیاق آیه حکایت از آن دارد که علم مذکور، مطلق علم نیست بلکه به علم خاصی اشاره دارد به عبارت دیگر ال در العلم ال تخصیص است از این رو دارندگان آنرا محدود به گروه خاصی نموده است. بنا بر این علم مذکور در آیه ۴۹ عنکبوت به قرینه سیاق که همان رجوع ضمیر به قرآن میباشد خصوص علم قرآن است.»

### جمع بندی اقوال و ادله فیش های سوال شماره دو:

ذیل این سوال با مراجعه به تفسیر معتبر شیعی اقوال موجود در این مسأله - مفهوم و مصداق اوتوا العلم - جمعا دو قول بیشتر نیست و نظر برخی شبیه به هم است. منشأ این اختلاف نظر، اختلاف در تعیین مرجع ضمیر هو می باشد.

قول اول: برخی مرجع ضمیر هو را در آیه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ.....» به پیامبر معنا کرده در نتیجه مصداق اوتوا العلم را علماء اهل کتاب تفسیر میکنند. و این قول به روایت ابن عباس، قتاده و ضحاک، است البته قتاده - در تفسیر مجمع البیان - گفته شده که مرجع ضمیر راقرآن معنا، و در - روض الجنان - به پیامبر معنا نموده، علی ایها الحال او نیز مصداق اوتوا العلم را منحصر در علماء اهل کتاب میداند.

قول دوم: برخی مرجع ضمیر هو را در آیه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ.....» به قرآن معنا کرده در نتیجه مصداق اوتوا العلم را ائمه «ع» تفسیر میکنند. و این قول نظر مرحوم طبرسی، فیض کاشانی و قمی می باشد.

<sup>۱۵</sup> آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۶ جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۵ ه. ق.

## ادله قول اول:

۱. قرائت آیه به صورت مفرد از قتاده «بَلْ هُوَ آيَةٌ بَيْنَهُ».
۲. برخی موید این نظر را قرائت عبدالله ابن مسعود «بَلْ هِيَ آيَاتُ بَيِّنَاتٍ» میدانند.
۳. برخی منظور از آیات بَيِّنَات را همان اوصاف پیامبر «درس نخوانده و نانوشته بودن» همانطور که در تورات و انجیل هم به آن وصف شده اند میدانند لذا مرجع ضمیر را شخص پیامبر «ص» و «فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» را سینه علمای اهل کتاب تفسیر کرده اند.

## ادله قول دوم:

۱. روایات وارده در اصول کافی از امام باقر «ع» و امام صادق «ع».
  ۲. برخی منظور از آیات بَيِّنَات را همان اوصاف قرآن «معجزه بودن و حفظ شدن آن علاوه بر قرائتش بر خلاف سایر کتب آسمانی» میدانند.
- «از بین اقوال موجود به نظر این حقیر با توجه به سیاق آیه مورد بحث بازگشت ضمیر به قرآن درست تر به نظر میرسد. و در تعیین مصداق اوتوالعلم هم نظر مرحوم فیض به صواب نزدیکتر است زیرا روایات گویاترین مفسر قرآنند و از آنجا که کتاب اصول کافی از کتب روایی معتبر است پس تفسیر آیه به ائمه «ع» طبق روایت امام باقر «ع» و امام صادق «ع» صحیح خواهد بود.»
- نتیجه: در تفاسیر شیعی مصداق اوتوالعلم منحصر در علماء اهل کتاب و ائمه می باشد.

## جمع بندی اقوال و ادله فیش های سوال شماره سه:

با توجه به روایات مختلفی که ذیل تفسیر آیه ۴۹ عنکبوت در مجموع سه تفسیری که از مفسران اهل سنت مورد بررسی قرار دادیم به طور کلی میتوان گفت اقوال موجود در این مسأله - مفهوم و مصداق اوتوالعلم - جمعا پنج قول بیشتر نیست و برخی نظر ها شبیه به هم است. در اینجا نیز همان اختلاف نظر در تفسیر مرجع ضمیر هو باعث اختلاف در تعیین مصداق شده است. اما اقوال موجود:

۱. علماء اهل کتاب، «این قول به روایت ابن عباس، قتاده، ضحاک، مقاتل و ابن جریج است که بازگشت ضمیر را به شخص پیامبر «ص» میدانند.» مرحوم طبری نیز از بین اقوالی که در تفسیرش آورده ایه قول را اولی و صواب میدانند.
۲. ائمه «ع»، به نقل از تفسیر روح المعانی به روایت بعضی از امامیه.
۳. حافظان و حاملان قرآن، این نظر حسن به نقل از تفسیر الکبیر، و نظر آلوسی صاحب روح المعانی است.
۴. مومنان محمد «ص»، این نظر حسن به نقل از تفسیر جامع البیان است.
۵. علماء صحابه پیامبر «ص»، یا هر دو، به نقل از تفسیر روح المعانی به روایت اکثرون و حسن.

نتیجه: در تفاسیر اهل سنت مصداق اوتوالعلم منحصر در علماء اهل کتاب، ائمه، علماء صحابه، حافظان قرآن مومنین می باشد. و برخی روایات از ضحاک، قتاده، ابن عباس و ادله مربوط به آن در تفاسیر شیعه هم آمده است.

## بیان ادله:

ادله دو قول اول و دوم همان است که قبلاً در بیان اقوال موجود در تفاسیر شیعی اشاره شد. البته قابل ذکر است که مرحوم طبری که قائل به قول اول است علت آنرا اینطور بیان میکند: از آنجا که این آیه بین دو خبر از اخبار خداوند از پیامبرش قرار گرفته از این رو اگر آیه مذکور خبر از پیامبر باشد اولویت دارد تا اینکه خبری از قرآن باشد که پیش از آن اخبار از آن گذشته است.

دلیل قول سوم: بل را بل اضرابی بعد نفی خواندن و نوشتن از حضرت رسول «ص» در آیه قبل بوده لذا مرجع ضمیر قرآن است و منظور از آیات بینات بودن آن، حفظ قرآن است که باعث مصونیتش از تحریف شده پس صدورالذین اوتوا العلم همان سینه های حافظان قرآن است همانطور که در وصفشان گفته شده «صدورهم انا جلیلهم» که حامل آیات نورانش میباشد.

دلیل قول چهارم همان بازگشت ضمیر به قرآن ذکر شده، برای قول پنجم دلیل ذکر نشده میتوان موید این ادعا را همان نزول آیه در شأن پیامبر «ص» دانست.

**نتیجه:** باتوجه به معانی که برای علم بیان شد نقیض جهل، یقین، دانستن و دانش، دلیل و حجت، اظهار کردن.....، میتوان گفت اوتوا العلم همان صاحبان دانش و معرفت و یقین اند. بررسی اوتوا العلم در بافت و سیاق آیه حکایت از آن دارد که علم مذکور، مطلق علم نیست بلکه به علم خاصی اشاره دارد به عبارت دیگر ال در العلم ال تخصیص است از این رو دارندگان آنرا محدود به گروه خاصی نموده است. بنابراین علم مذکور در آیه ۴۹ عنکبوت به قرینه سیاق که همان رجوع ضمیر به قرآن میباشد خصوص علم قرآن است. منشأ اختلاف نظر در تعیین مصداق اوتوا العلم، اختلاف در تعیین مرجع ضمیر هو می باشد. برخی مرجع ضمیر را قرآن برخی پیامبر میدانند، و بطور کلی در مجموع تفاسیری که بررسی شد مصادیق اوتوا العلم به ائمه، علماء اهل کتاب، علماء صحابه پیامبر، مومنین محمد، حافظان قرآن تعبیر شده دلایل هم مختلف است یا به نحوه قرائت مربوط است یا تعیین مرجع ضمیر یا روایات وارد شده در تفسیر آیه و یا قرار گرفتن آیه بین دو خبر از پیامبر «ص» اما نکته مهمی که میتوان از همه اقوال نتیجه گرفت این است که همه مفسرین با وجود اختلاف در تعیین مصداق اوتوا العلم قائل به حصر میباشد و کسی قائل به تعمیم نشده است.

## فهرست منابع:

۱. قرآن کریم
۲. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب - بیروت، چاپ: سوم، ۱۴۱۴ ق.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی - ایران - مشهد مقدس، چاپ: ۱، ۱۴۰۸ ه.ق.
۵. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۶ جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۵ ه.ق.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن - بیروت - دمشق، چاپ: اول، ۱۴۱۲ ق.
۷. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر، ۶ جلد، اردن - ارد، چاپ: ۱، سال ۲۰۰۸ میلادی.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، ۴ جلد، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۴۱۲ ه.ق.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، ناصر خسرو - ایران - تهران، چاپ: ۳، ۱۳۷۲ ه.ش.

۱۰. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، ۳۰ جلد، دار المعرفة - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
۱۲. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، ۵ جلد، مکتبه الصدر - ایران - تهران، چاپ: ۲، ۱۴۱۵ ه.ق.
۱۴. فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۵. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن - تهران، چاپ: ششم، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۲ جلد، دار الکتاب - ایران - قم، چاپ: ۳، ۱۳۶۳ ه.ش.